

در مسیر توسعه

نقش مسئولیت اجتماعی در فرآیند توسعه پایدار چیست؟

تجارت

مسئولیت اجتماعی چگونه در مسیر توسعه فراگیر و پایدار قرار می‌گیرد و آن را هموار می‌کند و بی‌توجهی به مسئولیت اجتماعی چه تبعاتی دارد؟ آل یاسین معتقد است برای جست‌وجو در یافتن راز توسعه‌یافتگی کشورهای پیشرفته باید به میزان درک مردم و کارگزاران کشورها از مسئولیت اجتماعی پی برد. این مقاله را بخوانید.



احمد آل یاسین

پژوهشگر اقتصاد توسعه

چرا باید خواند:

اگر شما هم به

موضوع‌های

مطرح شده در

خصوص حقوق

بین الملل علاقه‌دارید،

خواندن این مقاله به

شما توصیه می‌شود.

در کشور توسعه‌یافته را از شهروند یک کشور توسعه‌نیافته پنهان کرد. کیفیت زندگی به دو پراسنجه (مؤلفه) معنوی و مادی تفکیک می‌شود. معنوی، یعنی مفاهیم ذهنی بسان هدف‌دار بودن، تأثیرگذاری، مسئولیت‌پذیری، احساس رشد و پیشرفت، عدم تجاوز به حقوق دیگران، اعتمادبه‌نفس و در کل رضایت باطنی. مادی یعنی مفاهیم عینی به‌سان موقعیت اجتماعی، شغل، درآمد، مسکن، لوازم و تسهیلات زندگی، ثروت، خوشی و نظایر این‌ها.

در نتیجه برای خوب زیستن و راضی بودن تنها تأمین مفاهیم عینی یا تأمین شرایط مادی کافی نیست. بلکه خوب زیستن، ثمربخش بودن، معنادار بودن زندگی و هدف داشتن نیز لازم است تا در مجموع انسان به درک خوشبختی و رضایت از زندگی نائل شود.

از این روی کارشناسان توسعه به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به جهانی قابل زیست و توسعه پایدار، راهی جز بهبود کیفیت زندگی مردم و حفاظت از محیط‌زیست آسیب‌پذیر نیست و تنها با رشد اقتصادی و سرانه درآمد ملی، زندگی شهروندی معنادار نمی‌شود.

در نتیجه تحقق این معنابدون درک مسئولیت‌پذیری و اشراف به وظایف و مسئولیت‌های مهم و حیاتی دولتمردان و دولت‌ها حاصل نمی‌شود. هدف توسعه احترام به کرامت و منزلت انسان و ارتقای کیفیت اخلاق و منش انسانی است. همان‌گونه که گفته شد، این انتظارات بر دامنه مسئولیت اجتماعی دولت‌ها و مدیران اجرایی کشورها افزوده و آن‌ها را موظف می‌کند با درک مسئولیت اجتماعی در حوزه فعالیت‌های واگذار شده به سنجش ظرفیت و توانایی‌های اجرایی خود در پذیرش مسئولیت‌های شغل تازه بپردازند.

مفهوم توسعه در منشور حقوق توسعه مصوب سال ۱۹۶۸ مجمع سازمان ملل نیز با این عبارت بیان شده: «توسعه یک فرایند جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که هدف آن بهبود مداوم رفاه تمامی افراد بر اساس مشارکت فعال، آزاد و معنی‌دار در توسعه و در توزیع منصفانه ثمرات آن است.»

نکته مهم مستتر در این منشور، اهمیت ویژه‌ای است که برای انسان، کرامت و منزلت انسان، سهم و نقش انسان قائل شده است. در مقدمه منشور جهانی حقوق بشر که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده، کرامت انسان به‌عنوان مبنای آزادی، عدالت و صلح جهانی توصیف شده و در ماده اول منشور آمده است: «تمام افراد بشر، از بدو تولد به لحاظ کرامت و حقوق بشری برابرند. همه آن‌ها از موهبت عقل و وجدان برخوردارند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» همه این مصوبات و انواع منشورها بر سنگینی و پیچیدگی بار مسئولیت‌پذیری مدیران و مجریان کشورها می‌افزاید و نمی‌توان حجم و دامنه مسئولیت کارگزاران و مدیران دهه سوم قرن بیست و یکم را با اواخر قرن بیستم مقایسه کرد.

علت اساسی توسعه‌یافتگی کشورهای توسعه‌یافته جهان و بهبود کیفیت زندگی در آن‌ها، توجه اساسی و مسئولانه سیاست‌گذاران و دولت به علوم انسانی بوده است. امروز علوم انسانی با علوم اجتماعی که بعد از علوم طبیعی پدید آمد، در بین سایر علوم از جایگاه برتری در تأمین آسایش و رضایت مردم برخوردار است. علوم انسانی در رابطه با توسعه فرهنگی، رفتار و کنش مطلوب اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و یاریگری انسان در جامعه انسانی و آرمایی سخن می‌گوید. توسعه علوم انسانی در جامعه مدنی بر بهبود ظرفیت‌های گفت‌وگو،

مسئولیت‌اجتماعی در راستای برتری منافع ملی، سازمانی و جمعی به منافع شخصی در کلیه حوزه‌ها به‌ویژه در سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی، گفت‌وگو می‌کند. هر چه ساختار سازمانی بزرگ‌تر، وسیع‌تر، با جمعیت بیشتر و هزینه بالاتری باشد، کاربرد مسئولیت اجتماعی معنادارتر و بااهمیت‌تر می‌شود. به‌سختی دیگر، اهمیت و سنگینی بار مسئولیت اجتماعی فرد به ترتیب از کوچک‌ترین نهاد اجتماعی به‌سان خانواده تا مسئولیت اجتماعی در قبال محله، شهر، استان، کشور و نهایتاً مردم رو به افزایش می‌گذارد. بعد از مسئولیت اجتماعی فرد، مسئولیت اجتماعی نهادها، کارخانه‌ها، تولیدکنندگان کالا، سازمان‌های دولتی، دولت و حاکمیت نسبت به ملت و کشور جایگاه فخری دارد.

گوهر توسعه آرمایی هر کشور، در گرو معنادار بودن و اثربخش بودن زیست شهروندان است که می‌خواهند در مدت کوتاه عمر، خوب و ثمربخش زندگی کنند و از نعمت‌های هستی بهره‌مند شوند. از این رو سطح زندگی، رفاه، آسایش، کامیابی و رضایت کلی مردم از زندگی، معرف میزان مسئولیت‌پذیری دولتمردان و کیفیت حکمرانی کشورها شناخته می‌شود. مرور اجمالی بر رفتار و کارکرد کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که کیفیت زندگی مردم این کشورها، متأثر از شیوه حکمرانی و توجه ژرف حاکمان به ابعاد و دامنه مسئولیت‌ها و وظایفشان برای تأمین رفاه اجتماعی و احترام به کرامت شهروندان است.

پیشرفت جامعه صنعتی و توسعه بازرگانی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر سوددهی و درآمد بیشتر تمرکز داشت، ولی به تبعیت نیازهای فیزیکی، امنیتی، اجتماعی، کرامت و رفاه انسان، معلوم شد تنها ثروت بیشتر خوشبختی نمی‌آورد. بلکه ثروت ابزار دستیابی به زندگی باکیفیت، رفاه و سرانجام توسعه است. رفته‌رفته جستار توسعه و ارتقای کیفیت زندگی انسان، سبب جلب توجه فیلسوفان و کارشناسان توسعه به حوزه‌های مرتبط به‌سان آموزش، بهداشت، پزشکی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اجتماعی، اقتصادی، کسب‌وکار، حقوق مدنی، مشارکت عمومی، توزیع عادلانه فرصت‌ها و غیره شد. از این رو نگرش و طراحی چشم‌انداز درازمدت رفاه و رضایت جامعه به گونه چشم‌گیری بر سنگینی بار مسئولیت اجتماعی دولتمردان و مسئولین کشورها افزوده است. انتظار از یک صدراعظم یا وزیر امروزی چندین برابر سمت‌های نظیر در ۵۰ سال پیش است.

در همین راستا، دهه‌ها سال مطالعه درباره رابطه سلامت تن و روان باکیفیت زندگی سبب شد تا سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰، مفهوم کیفیت زندگی را «درک افراد از موقعیت خود، از فرهنگ، سیستم ارزشی محیط زندگی، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌های زندگی»، تعریف کرد.

در عصر شبکه‌های اجتماعی، دیگر نمی‌توان کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی یک روستایی

هیچ شخصی نمی‌تواند جان آحاد ملت و نظام اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و آرام و دردها و خسارت‌های معنوی ملت ایران را با تسامح و تساهل و یا سکوت و غفلت معامله کند. بهداشت و سلامت عمومی موضوعی است که مربوط به حقوق عامه است و حقوق عامه قابل معامله و مسامحه نیست.

سال اقتدار ملی و اشتغال آفرینی، سال پاسخ‌گویی، سال نوآوری و شکوفایی، سال همت مضاعف، کار مضاعف، سال تولید ایرانی، ... سال رونق تولید و سال جهش تولید.

- ▶ تصویب و ابلاغ حدود ۵۳ فقره سیاست‌های کلی نظام
- ▶ تصویب چشم‌انداز درازمدت کشور ۱۳۸۴-۱۴۰۴

مصوبات و اقدامات بالا در حالی صورت گرفت که کشور از درآمدهای نفتی رضایت‌بخشی برخوردار بود و نزدیک ۱۰۰۰ میلیارد دلار تا پایان دولت دهم یعنی معادل ۷ برابر درآمدهای نفتی از زمان مظفرالدین‌شاه تا ۱۳۵۷ خورشیدی، دریافت کرد.

مرور یکصد سال نوگرایی بعد از مشروطیت و ۷۰ سال برنامه‌ریزی توسعه و تصویب ۵۳ فقره سیاست‌های کلی و ۲۲ سال نام‌گذاری سال‌ها نشان‌دهنده شکست آندوه‌باری است به نام «ناکامی ایران در مسئولیت‌پذیری و در توسعه‌پذیری» و سرانجام نبود حس مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در مجریان، متولیان و مدیران کشور.

باینکه ایران زودتر از سایر کشورهای در حال توسعه وارد فرایند برنامه‌ریزی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی شد، اما هنوز بعد از ۷۰ سال برنامه‌ریزی توسعه، شواهد و نشانه‌های زیادی از توسعه‌نیافتگی دیده می‌شود. این ناکامی‌ها در حالی است که ایران در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه، از امتیازات بیشتری نظیر وسعت زیاد، منابع نفت و گاز فراوان، آب‌وهوا و اقلیم متنوع، بیش از ۵۰۰۰ کیلومتر سواحل آبی، دسترسی به دریاهای آزاد و مردمی باهوش برخوردار است، اما به‌رغم درآمدهای کلان نفت و گاز، حضور انسان‌های مستعد و کارشناس‌های توانمند، در دستیابی به اهداف توسعه موفق نبوده و در حال حاضر بنا به شاخص‌های جهانی توسعه و نظرات کارشناسی از دیگر کشورهای در حال توسعه مانند تایوان، ترکیه، مالزی، اندونزی، سنگاپور، کره جنوبی، برزیل و ... که دیرتر از ایران در مسیر توسعه گام نهاده‌اند، عقب‌مانده‌تر و توسعه‌نیافته‌تر ارزیابی می‌شود.

نظر به اهمیت نیک‌بختی و ارتقای کیفیت زندگی، در سال‌های اخیر کارشناسان، جامعه‌شناسان و اقتصاددانان، توسعه‌یافتگی یا نیافتگی را به کمک بیش از یکصد شاخص گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، زیستی، حقوق انسانی و نظایر آن‌ها که از سوی مؤسسات معتبر جهانی هر سال اعلام می‌شود، می‌سنجند. برای نمونه در جدول زیر رتبه و وضعیت ایران در ۱۰ شاخص انتخابی در سال ۲۰۱۸ در میان کشورهای منتخب نشان داده شده است.

شاخص	رتبه	تعداد کشورها
شکاف جنسیتی	۱۴۲	۱۴۹
فضای کسب‌وکار	۱۲۴	۱۹۰
درک فساد	۱۳۸	۱۸۰
کامیابی	۱۰۸	۱۴۹
پیشرفت اجتماعی	۸۸	۱۴۶
توسعه انسانی	۶۰	۱۷۱
آزادی اقتصادی	۱۵۰	۱۸۰
رقابت‌پذیری جهانی	۶۹	۱۳۷
خوشحالی	۱۰۶	۱۵۶
آزادی فردی	۰	۱۰۰

به‌طوری‌که در جدول دیده می‌شود، تقریباً در تمامی موارد ایران در انتهای جدول رتبه‌بندی جای گرفته و نشان از توسعه‌نیافتگی یا به سخن درست‌تری نشان از «مسئولیت‌ناپذیری و توسعه‌ناپذیری» متولیان و متصدیان در اداره کشور دارد.

شاخص معتبر رفاه لگاتوم سالانه بر پایه تعدادی زیر شاخص کلیدی که رعایت آن‌ها منجر به توسعه‌یافتگی، رضایت، آسایش و امنیت جامعه می‌شود، محاسبه می‌شود. متأسفانه رتبه ایران در زیر شاخص‌های کامیابی (لگاتوم)، در دو سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به شرح جدول زیر نامیدکننده و هراس‌برانگیز است.

تعامل، رواداری، دوری و انتقادپذیری انسان اثر گذاشته و به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و توانمندسازی نهادهای مدنی، صنفی، تخصصی و احزاب یاری می‌رساند. این نگرش تازه به علوم انسانی نیز دامنه مسئولیت‌پذیری، مسئولان کشورها را بیشتر و پیچیده‌تر می‌کند. زیرا کاربرد صحیح علوم انسانی سبب افزایش انتظارات شهروندان از کیفیت زندگی، اقتدار جامعه مدنی، برقراری عدالت اجتماعی و اجتناب از تجاوز به حقوق شهروندان می‌شود. علوم انسانی به مفهوم واقعی‌تر به معنای علوم فرهنگی تعبی و با تکیه بر بعد کرامت و منزلت انسان، به رشد کمال، روان، ذهن، اندیشه، اعتمادبه‌نفس و نیازهای معنوی و حقوق انسان منجر می‌شود.

مسئولیت اجتماعی و یا مسئولیت فردی یک برچسب یا شعار نیست. مادام که فرهنگ و خصلت مسئولیت‌پذیری نباشد، ادعای پذیرش مسئولیت اعتباری نخواهد داشت. «مسئولیت‌پذیری» یک مفهوم چندوجهی است که در آن مفاهیم متعددی نهفته است: بسان: دانش و مهارت شغلی، وظیفه‌شناسی، صداقت، شفافیت، قانون‌گرایی، عدم تجاوز به حقوق دیگران، مثبت‌اندیشی، وقت‌شناسی، آینده‌نگری و نظایر این‌ها.

لذا مفهوم چندوجهی «مسئولیت اجتماعی» در یک چارچوب و محدوده اخلاقی قرار می‌گیرد که هر یک از وجوه مختلف مستتر در آن، که دارای منافع برای جامعه هستند، وظیفه فرد، کارگزار، سازمان، شرکت و نظایر آن‌ها تلقی می‌شود. در جامعه‌های توسعه‌یافته، مسئولیت اجتماعی در حوزه اخلاق و مدنیت تعریف می‌شود، ولی در جامعه‌های عقب‌افتاده کسی خود را ملزم به رعایت آن نه می‌بیند و نه عمل می‌کند.

به سخن دیگر، مسئولیت اجتماعی معرف میزان دغدغه شخص به وضعیت کشور، جامعه، سازمان، بنگاه، شهر و هر اتفاقاتی که در کشور می‌افتد دارد. مسئولیت اجتماعی فردی پایه مسئولیت اجتماعی نهادها و سازمان‌ها و دولت‌هاست که در بهبود زیست جامعه و شرایط بهتر کشور موثر و ارتقادهنده هستند. فیلسوف، استاد دانشگاه، روشنفکر و کارشناس و کارمندی که وظایف خود را با دلسوزی و به‌منظور بهتر شدن وضع ارباب‌رجوع، مردم و کشور انجام می‌دهند و از موقعیت خود بهره‌برداری نمی‌کنند و اشخاص خیری که بنیاد خیریه برای نفع مردم بنا می‌کنند، از مصادیق مسئولیت‌پذیر شناخته می‌شوند. چند نمونه مسئولیت اجتماعی عبارت‌اند از:

- ▶ دقت در انتخاب افراد شایسته و کاردان برای احراز مشاغل و سمت‌ها
- ▶ انجام کنترل کیفیت واقعی بر روی محصولات واحدهای تولیدی و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان
- ▶ اجرای طرح‌های عمرانی و زیرساختی بر پایه مشخصات فنی و استانداردهای تعریف‌شده
- ▶ هزینه کردن بجای بودجه کشور با صداقت و کسب رضایت مردم و صلاح کشور
- ▶ خودداری از طراحی و اجرای طرح‌های پرهزینه‌ای که به مصلحت کشور و مردم نیست
- ▶ احساس مسئولیت در آینده‌نگری مشاغل هنگام تصدی
- ▶ خویش‌داری از اختلاس، اخذ رشوه، رانت و تبانی و ...
- ▶ انجام وظایف با شفافیت و اجتناب از پنهان‌کاری
- ▶ پاسخ‌گو بودن و انجام وظایف و تعهدات به هنگام

و ...

آنچه گفته شد، شرحی بود درباره جامعه آرمانی یا مدینه فاضله‌ای که مصادیق آن را در کشورهای توسعه‌یافته می‌توان یافت. پایه شکل‌گیری جامعه مدنی، تأمین رضایت و نشاط مردم کشورهای توسعه‌یافته، نقش تأثیرگذار و نهادینه‌شده صفت «مسئولیت‌پذیری» در فرهنگ، سنت، عادت مردم و از همه مهم‌تر در مدیران کشور است. مقایسه‌ای کلی آنچه درباره کیفیت زندگی، رضایت مردم، مفهوم مسئولیت‌پذیری، مسئولیت اجتماعی و مصادیق آن گفته شد با وضعیت کنونی کشور و شاخص‌های توسعه در ایران، با شوربختی نشان می‌دهد که مفهوم مسئولیت‌پذیری و تعهدات مسئولیت اجتماعی در ایران سال‌هاست که به فراموشی سپرده است.

برای ثبت موضوع به چند مصداق اشاره می‌شود. از سال ۱۳۶۸ تاکنون ۶ برنامه پنج‌ساله تدوین، تصویب و برای اجرا به دولت‌های وقت ابلاغ شد؛ علاوه بر تصویب ۶ برنامه پنج‌ساله، سه اقدام دیگر هم به نیت توسعه کشور صورت گرفت:

- ▶ نام‌گذاری سال‌ها از ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۹ از سوی مقام معظم رهبری به مدت ۲۲ سال مانند

شاخص‌ها	رتبه ایران ۲۰۱۸	تعداد کشورها ۲۰۱۸	رتبه ایران ۲۰۱۹	تعداد کشورها ۲۰۱۹
کیفیت اقتصادی	۶۳	۱۴۹	۱۰۱	۱۶۷
فضای کسب‌وکار	۶۰	۱۴۹	۱۴۹	۱۶۷
فضای سرمایه‌گذاری			۱۲۶	۱۶۷
دسترسی به بازار			۱۱۰	۱۶۷
حکمرانی	۱۲۴	۱۴۹	۱۳۸	۱۶۷
آزادی‌های فردی	۱۴۳	۱۴۹	۱۶۳	۱۶۷
سرمایه اجتماعی	۱۱۴	۱۴۹	۱۲۹	۱۶۷
ایمنی و امنیت	۱۰۵	۱۴۹	۱۳۱	۱۶۷
آموزش	۲۲	۱۴۹	۷۱	۱۶۷
کیفیت زندگی			۷۳	۱۶۷
بهداشت و سلامت	۹۰	۱۴۹	۸۸	۱۶۷
محیط طبیعی	۷۸	۱۴۹	۱۵۲	۱۶۷

اگر در بسیاری شاخص‌های رتبه‌بندی ایران در انتهای جدول جای گرفته، ولی در دو شاخص پول‌شویی و فلاکت در صدر جدول و جزو بدترین کشورها در جهان ارزیابی شده است. بقیه شاخص‌های اقتصادی سال ۱۳۹۸ نیز به قرار زیر نشان‌دهنده وضعیت اسفناک اقتصادی مردم بوده است:

- ▲ افزایش فقر، بنا بر پژوهش‌های مجلس تا پایان سال ۱۳۹۷ حدود ۲۳ الی ۴۰ درصد با سناریوهای مختلف در زیر خط فقر قرار داشتند.
- ▲ کاهش رشد اقتصادی به منفی ۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۷
- ▲ عبور ضریب جینی از مرز ۴۰/۹۳ واحد نماد شکاف ژرف طبقاتی مردم
- ▲ افزایش تورم به بیش از ۴۲ درصد
- ▲ در سال ۱۳۹۸، ۲۶ درصد گروه سنی ۱۵ تا ۲۶ سال و ۱۸ درصد گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ سال بیکار بودند.
- ▲ افزایش مهاجرت‌ها و حاشیه‌نشینی بی‌خانمان‌ها به بیش از ۲۰ میلیون نفر.
- به‌غیر از موارد بالا و انواع ابربحران‌های کشور به‌سان تخریب محیط‌زیست، تخریب حوضه‌های آبریز، تخلیه آبخوان‌ها، تخریب دشت‌ها و خاک‌ها، تخریب جنگل‌ها و اکوسیستم‌های بارز، افزایش بی‌رویه جمعیت، جامعه با توسعه بد اخلاقی، سقوط ارزش‌ها و ناهنجاری‌ها، عدم شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، بی‌رنگی جامعه مدنی، بی‌اثری نهادهای مردمی، صنفی و تخصصی نیز روبه‌رو است. از این‌رو نظریه‌پردازان و نخبگان در بستری رشد و جلوه خواهند کرد که فضا و محیط اخلاقی جامعه، پشتیبان تفکر آزاد، پرسشگری، پاسخ‌گویی، واقع‌گرایی و ظرفیت‌سازی آنان باشد. ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای تحقق توسعه مطلوب باید ساختاری باشد که در آن اخلاق سالم، قانون، اعتماد میان مردم و اعتماد بین مردم و دولت جاری باشد. شگفت‌انگیز است که در دهه ۱۳۹۰، ایران بیش از هر دوره تاریخی دیگر از حضور جمعیت بزرگ نخبگان، فیلسوفان، دانشمندان و روشنفکران در حوزه‌های مختلف علوم تجربی و علوم انسانی برخوردار بوده، ولی به سبب بی‌رنگی مسئولیت‌پذیری حاکمان کشور همچنان عقب‌مانده ارزیابی می‌شود.
- پیدایش وضعیت روبه‌زوال و گسیختگی کشور و جامعه که به‌اختصار شرح داده شد، نمی‌تواند دلیل دیگری به‌جز کوتاهی در مسئولیت‌پذیری، کاربرد مدیریت و حکمرانی خردمندانه داشته باشد. از میان ابزارهای کلیدی کشورداری و مدیریت، مهم‌ترین آن‌ها احساس مسئولیت، درک مسئولیت و عمل مسئولانه از سوی کارگزاران و سیاست‌گذاران است.

آمار و ارقام عقب‌ماندگی نشان می‌دهند که علی‌رغم امکانات برجسته کشور به‌سان چهارمین تولیدکننده نفت جهان و دومین صادرکننده اوپک پیش از تحریم‌ها، دارنده ۱۰ درصد ذخایر نفت و ۱۵ درصد ذخایر گاز جهان، با بیش از ۳۸۰ نهاد علمی تخصصی، بیش از ۱۰۰۰ نهاد مدنی و صنفی، بیش از ۲۵۰۰ مؤسسه آموزش عالی دانشگاهی، بیش از ۴/۵ میلیون دانشجو، هزاران

کارشناس و متخصص در همه علوم و فنون، تعداد پرشماری روشنفکر و اندیشمند، ولی جامعه در آستانه ازهم‌گسیختگی و زوال قرار گرفته است. در جوامع توسعه‌یافته، نهادهای مدنی هسته‌های درون جامعه مدنی به شمار می‌روند که از الزامات مسئولیت‌پذیری و نظارت دقیق بر انجام وظایف متصدیان امور و دولتمردان برخوردارند. نهادهای مدنی با اقتدار با نظارت بر ارکان حاکمیت و پرسشگری اجازه خروج از مدار وظیفه‌شناسی و انجام تعهدات نمی‌دهند و از این راه به جامعه مدنی معنا و هویت می‌بخشند. در جامعه مدنی سازوکارهای تشکیل انجمن‌های علمی و فنی، نهادهای فرهنگی، اتحادیه‌های اصناف و پیشه‌وران، احزاب، انجمن‌های خیریه، بنیادها (انتفاعی) و غیرانتفاعی به‌منظور برقراری مناسبات مدنی با دولت و نظارت بر کارکرد ارکان دولت از حقوق شهروندان حفاظت می‌کنند. پیدایش جامعه مدنی و نهادهای مردمی (سمن‌ها) فقط در نظام‌های دموکراتیک که چرخش قدرت توسط مردم انجام می‌شود، عملی و تأثیرگذار است.

نهادهای مدنی به‌طور کلی در چهار حوزه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی توسط گروه‌های ذی‌ربط و هم‌سوس به شکل غیردولتی و غیرانتفاعی و داوطلبانه شکل می‌گیرند. ولی شکل‌گیری جامعه مدنی و توانمندسازی آن در ایران به سبب به چالش کشیدن ناکارآمدی دولت‌ها، انحصارهای دولتی، اقتصاد دولتی و... با مخالفت و کارشکنی دولت‌های تمامیت‌خواه روبه‌رو شده که مانع ایفای نقش واقعی جامعه مدنی و نهادهای وابسته شده است.

با آنچه درباره اهمیت و نقش مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی گفته شد، معلوم می‌شود فرایند مسئولیت‌پذیری و تعهد به این مفهوم چندوجهی زندگی ساز، سال‌هاست در ایران ذبح شده و هیچ معنا و مفهوم و کارکردی ندارد. با توضیحات بالا مهم‌ترین سنججه‌های (مؤلفه‌های) جامعه مدنی کنشگر برای نهادینه کردن مسئولیت‌پذیری، نظارت بر دامنه مسئولیت‌های اجتماعی مجریان و مدیران دولتی، صنایع تولیدی، شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، نظام آموزش و پرورش، محیط‌زیست کشور و منابع اکوسیستمی را می‌توان در سرخط‌های زیر برشمرد:

- ▲ جامعه مدنی نماد موازنه قدرت و اعتماد میان توده مردم از یک سو و بین مردم و دولت از سوی دیگر است.
- ▲ جامعه مدنی ساختار ارتباطی هماهنگ اقشار مردم است.
- ▲ جامعه مدنی تأمین‌کننده حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی است.
- ▲ جامعه مدنی مطالبه‌گر شفافیت و پاسخ‌گویی در ارکان دولت است.
- ▲ جامعه مدنی پشتیبان نهادهای انجمن‌ها، سندیکاها، کانون‌ها و غیره است.
- ▲ جامعه مدنی مروج رواداری و گفت‌وگو و مدارا است.
- ▲ جامعه مدنی پلی است بین مردم و دولت.
- ▲ جامعه مدنی چرخش قدرت در حاکمیت را مدیریت می‌کند.
- ▲ جامعه مدنی هوادار محیط‌زیست و توسعه پایدار است.
- ▲ جامعه مدنی هوادار و پشتیبان دولت مسئولیت‌پذیر شفاف و خدمت‌گزار است.

شکل‌پذیری جامعه مدنی در کشورهای درحال توسعه در برابر تمامیت‌خواهی و خودکامگی حکومت‌های جبار که اقتدار جامعه مدنی را در تضاد با خط‌مشی و منافع خود می‌بینند چالش سنگینی است. به‌ویژه اگر حکومت‌های اقتدارگرا به پشتیبانی درآمدهای نفتی نیاز به درآمد از منابع مردمی نداشته باشند. سرمایه اجتماعی با بنیان معنوی و ارزشی جامعه، مفهوم فراگیری است که بازتاب وسیع آن در جامعه به شکل‌های گوناگون همبستگی اجتماعی، اعتماد، صداقت، فداکاری، همکاری، همدلی، مشارکت، یاری‌رسانی، قاعده‌مندی و قانون‌پذیری تجلی می‌کند. برآمد جمع‌گرایی و همدلی مسیر توسعه فراگیر و پایدار را هموار، توسعه‌پذیری کشور را ضمن حفاظت از سرمایه‌های ملی و منابع طبیعی میسر، و تأمین رفاه و آسایش جامعه و نسل‌های آینده را ممکن می‌سازد. سخن آخر اینکه برای جست‌وجو در یافتن راز توسعه‌یافتگی کشورهای پیشرفته باید به میزان درک مردم و کارگزاران کشورها از مسئولیت اجتماعی پی برد. ■

پی‌نوشت

۱. قانون برنامه اول ۱۳۷۲-۱۳۶۸ / قانون برنامه دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸ / قانون برنامه سوم ۱۳۸۳-۱۳۷۹ / قانون برنامه چهارم ۱۳۸۸-۱۳۸۴ / قانون برنامه پنجم ۱۳۹۴-۱۳۹۰ / قانون برنامه ششم ۱۴۰۰-۱۳۹۶
- ۲- بنیادهای انتفاعی درآمدها هستند؛ ولی منافع آن‌ها صرف هزینه‌های اهداف بنیاد می‌شود؛ مانند بنیاد فورد در آمریکا یا بنیادهای حمایت از کودکان معلول یا حمایت از نابینایان و غیره.